

غیب نشده و در دروس خود تبدیلی نمی کند شاگرد  
 بتواند بجای آن عبارت بگوید : منم ساعی هیچگاه  
 غیبت از مدرسه نکرده و در حاضر کردن دروس  
 و انجام تکالیف خود مسامحه نکرده و ظفره نمی رود -  
 یا مثلا شاگرد کلاس ۵ و ۶ میخواند : صرف علمی  
 است که گفتگو میکنند از حالات کلمات عرب قبل از  
 ترکیب شاگرد در تبدیل بگوید : حالت قبل از ترکیب  
 کلمات راجع بهم صرف است - یا آنکه در علم صرف  
 از تغییرات کلمات عرب در حال افراد بحث میشود -

بی شبهه هرگاه ادور تعلیم و تمام بدین طرز جریان  
 دارد و شاگردان دارای حسن محاکمه و اعتراض و استنباط  
 باشند قوای بیانی و تحریریه آنان تقویت یافته و در سایه  
 حسن بیان و بیان بر امور صبیح غالب شده و قادر بر مبارزه  
 حیاتی بوده و حق حیات اجتماعی دارا خواهند بود و در  
 محاورات و محاکمات عاجز نخواهند بود .

و اینکه مابرای تقویت قوای فکریه دو وسیله مختلفه  
 بیان کردیم برای آن بود که شاگرد در ضمن تحصیل  
 دروس مقدماتی نه تنها بیان و بیان خود را فصیح و بلوغ  
 کرده و از عهده اظهار مافی الضمیر خود کاملاً برآید  
 بلکه فکر و قوه نیز توسعه یافته و تدریجاً از همان کوچکی  
 بحقیقت و لم اشیاء پی برده چنانکه نظریه اول برای نشو  
 و نمای فکر لازم و نظریه دوم برای حسن بیان و بیان  
 واجب است .  
 حبیب الله آموزگار

حیات بگردد اطفال دارند و رسم ادب و آئین حق  
 شناسی بما امر میکنند که آنانرا احترام کرده و هر روز  
 صبح مقدم بر هر چیز خدمت ایشان رفته و سلام کنیم  
 و اینکه باید پس از شستن سر و صورت خدمت ایشان  
 رفت برای آنستکه با صورت چرک و کثیف چشم خواب  
 آلوده خلاف ادب است - و خواندن نماز برای  
 آنستکه ما مسلمانیم و باید از کوچکی برسوم و آئین مذهبی  
 عادت کرده و از کوچکی متوجه خداوند شده و همیشه  
 او را در تمام امور شاهد و نظر خود قرار دهیم . . .

۲ - لازم است که اطفال را بنحیر عبارات و جمل  
 عادت داده و بتقدیم و تاخیر کلمات و تبدیل اللفظ مترادف  
 جمله را تغییر دهند و البته تصور نشود که انجام این امر  
 در کلاسهای ابتدائی غیر ممکن یا مشکل است زیرا تغییر هر  
 مطلبی و عبارت هر کتابی البته به فراخور قوای  
 متعلمین همان کلاس خوا هشد بود مثلاً :

شاگرد در اطاق دوم یا سوم میخواند : گوش دادن  
 بحرفهای معلم بر ما واجب است - معلم باید طوری  
 شاگرد را عادت بنحیر و تبدیل و تقدیم تاخیر و حذف  
 و علاوه دهند که شاگرد بتواند کلاس دوم مثلاً بجای  
 آن عبارت بگوید . ما باید گوش بحرفهای معلم بدهیم  
 و یا شاگرد کلاس سوم بتواند بگوید : ما باید سخنان  
 و بیانات معلمین را گوش دهیم . - یا مثلاً در کلاس  
 ۳ و ۴ می خوانند که : شاگرد کارکن هر کرازمدرسه

## دیسپلین

- یا -

### سبک تادیب و تربیه

(۲)

فن تربیت همچو تصور کرده اند که می توان خصال  
 و عادات اطفال را در تعقیب و القاء هماف سجایا و  
 ملکات مذمومه یا ممدوحه تغییر داده اصلاح نمود تا بعضی  
 منروک و برخی مرسوم شوند - مثلا برای رفع بر  
 کوشی طفل را بحرف زدن و داشته از کثرت سؤال  
 و جواب او را خسته و بکم حرفی عادت داد - یا اینکه

در مقاله گذشته از اقسام عمده دیسپلین سه طریقه  
 را بمرض رسانیدم در اینجا دو طریقه دیگر را هم  
 ضمیمه نموده و ما بین کلیه طرزهای که متناسب با شرایط  
 و احتیاجات امروزی ما است انتخاب و به ذکر آن  
 می پردازم

۳ - دیسپلین تادیب بمثله : بعضی از متخصصین

بقوانین طبیعی نزدیک است یعنی همان طور که طفل در صفر سن طبیعت مطیع صرف و بیروی بزرگ تر از خود را می کند دیسپلین مزبور هم متابعت طبیعت کرده از این انقیاد و فرمان برداری تام و تمام استفاده می نماید و او را ببدل و دل خواه خود تربیت می کند ولی به محض اینکه روح و دماغ بچه بقرار کفایت نمو کرد و ازاده او شروع بکار نمود فررا از سختی دیسپلین می زنت و با طبیعت طفل متناسب می سازند - این جرح و تعدیل بهمین قسم مطابق رشد طبیعی بچه تعقیب می شود تا روزی که جنبه تعقل و استدلال او بقدر ازم حاضر و مستعد فهم و درک مراتب اخلاقی و تشخیص نتیجه اعمال و افعال گردد آن وقت قید اطاعت اجباری را از گردن او برداشته اختیارش را بدست خودش میدهند و من بعد با او بطریق وفق و مدارا سلوک مینمایند

در اجراء دیسپلین مختلط - گذشته از شرایط عمومی که برای اعمال هر یک از این چند طریق ضروری است يك نکته مخصوص و قابل توجه پیش می آید که باید همیشه نصب العین نموده اس اساس طریق مزبوره دانست.

آن شرط مهم این است که باید همه وقت میزان استعداد دماغی و اخلاقی طفل را در نظر گرفت و مطابق آن بطور سختی و امرانه یا بطور استدلال و مراقبت رفتار نمود

•••

تاکنون در مدارس و مکاتب ایران - نظریه مقتضیات وقت - همیشه دیسپلین خشن مرسوم بوده و تربیت عمومی با سیلی اولیاء شروع و در زیر چوب معلم تکمیل میشده است

چند سال قبل - در اوقاتی که هنوز احساسات آزادی طلبی مراحل اولیه خود را میپیمود و دماغ ترقی جووانان جوش و خروش فوق العاده داشت

- در آن روزها اصلاح سبک ترتیب دیسپلین مدارس نیز نظر جمعی از متفکرین را بخود جلب نموده و بدایه

برای رفع تبلی بچه را مدتی بیکار گذاشت و کم کم که او را از این خصالت مبتادی ساخته به عمل وادار نمود .

این طریقه اساس و بنیان محکم و مبنی ندارد و بیشتر نتیجه یک رشته خیالات سطحی و واهی بنظر میاید - زیرا علی التحقیق نمی توان اخلاق اطفال را فقط بوسیله تأدیب بمنزل تهدیب نمود - مثلاً چطور می شود بچه را که بدروغگوئی عادت کرده اصلاح نمود - یا طفلی را که بتقلب خو گرفته بوسیله نادرستی بر امر راست آورد یا کسی را که مبتلا بمفاسدی بزرگ تر گردیده بواسطه تأدیب بمنزل معالجه نمود

پس طریقه مزبوره در صورتی هم که برای القاء یا اصلاح پاره از خصایل و عادات ممکن الاجری باشد باز اساساً عملی نیست چون که نمیتوانی انرا در تحت اصول تربیتی در آورده عمومیت داد

۵ - دیسپلین مختلط: دیسپلین مختلط طرزى است که با طریقه خشن شروع گردیده و مندرجاً از فشار و سختی آن کاسته میشود تا عاقبت بدیسپلین آزاد مبدل می گردد

این ترتیب که در بدو تربیت چوین هنوز قواء دماغیه طفل استمداد تعقل و درک محاسن و قباح اعمال و افعال را ندارد بنا بر این او را در تحت اقتدار و تسلط مطلق قرار داده آداب و اخلاقی را که می خواهند به او تحمیل نموده در طبیعتش رسوخ می دهند .

اما همینکه قوای روحانی بچه نمو نموده و بر طبق اصول اخلاقی تربیت شد بتدریج از خشونت و فشار دیسپلین می کاهند و با اندازه که روح و دماغ او تربیت دیده و مستعد درک معقولات گردیده بهمان میزان حدود آزادی را توسعه می دهند تا آنکه بمرور دیسپلین خشن از بین رفته منسوخ گردد و دیسپلین آزاد جایگزین آه شود.

طریقه مختلط - چنانچه ملاحظه می شود - خیلی

مباحثی که در اطراف این موضوع نمودند تا صفحه مجلی شورای ملی کشیده شده خواستند طریقه خشن را لغو و دیسپلین آزاد بجای آن گذارند

ولی این مقصود - مانند سایر مقاصد - بعمل نیاورد زیرا اگر هوا خواهان آن در صورتیکه اطلاعات جامع و احاطه کاملی حاصل قضیه نداشتند و فقط روح تقلید را پیروی میکردند میخواستند سبکی را که در ممالک اروپا پس از سالها تجربه اتخاذ کرده بودند برخلاف ناموس طبیعت در ایران دفعتاً برقرار نمایند آن هم میانملی که تازه مهرفت از زیر کند و زنجیر حکومت استبدادی و هوب و فاک مکتب خانه خلاص شود

وقتی مذاکرات الفاء سبک قدیم منعکس گردید وضع سیاست اکثر مدارس بکلی تغییر نمود در بعضی طریقه آزاد با آزادی نما را که بدرجات وخیم تر بود اختیار کردند و در بعضی دیگر فقط طرز سابق را محدود و بدون ملاحظه مقتضیات اجتماعی و اوضاع اخلاقی بطور کم و بیش جرح و تعدیل نمودند

در هر صورت اقدام مذکور که از روی عدم تجربه و مطالعه بعمل آمده بود جز اختلال اساس تربیت عمومی نتیجه دیگری نبخشید و هر چه ظاهراً از حیث تحصیلات و معلومات پیش رفتیم باطناً از نقطه نظر اخلاق و تربیت چندین برابر عقب افتادیم

علت این بود که قبل از اینکه دیسپلین آزاد مجری و تسلط روحانی برقرار شود با اقتدار ماسدی دیسپلین سابق اطعمه و سکنه وارد شد و با تزلزل نفوذ معلم و مدرسه امور تربیت رو به انحطاط گذاشت و مسئله تأدیب که مقصود اصلی مدارس است بکلی از بین رفت و عوامل فساد با آزادی دست بدست داده روزگار اطفال و جوانان ما را اسباب و حیات ملی ایران را تیره کردند بطوری که حالا از مدارس ماسدی نمودن شاگرد تحصیل کرد پیروان میاید در صورتیکه بطور قطع میتوان گفت پیش از صدی یکفر جوان اخلاقی تربیت دیده و منزله از مقاصد و رزایل خارج نمی شود

رفته رفته معایب این طریقه در هم محسوس گردید و پس از مدتی تماشا و مشاهده پرده های رقت انگیز عاقبت همه فهمیدیم که باید بچه ها هم مانند بزرگ ها بفرخور استعداد و ظرفیت آزادی داد تا اسباب پشیمانی و ندامت طرفین نشود - ولی افسوس وقت گذشته و تیر از شست رفته بود و دیگر اعاده ترتیب سابق ممکن نمی شود.

این بود شمه از تاریخ اصلاح مدارس و اقداماتی که برای تربیت حقیقی و اخلاقی اطفال ایران بعمل آمد و کمترین نتیجه سوء آن که به علم معارف بزرگ ترین ضرر می زند این است که اغلب مردم از مدارس جدید سرخورده و بعضی هنوز مکاتب قدیمه و ترتیبات مندرسه ایام گذشته را از صمیم قلب آرزو می کنند

\*.

حالا که وزارت جلیله معارف توسعه و اصلاح تربیت عمومی را مطمح نظر قرار داده خوب است مسئله دیسپلین مدارس و سبک تأدیب اطفال هم مورد توجه واقع و طریقه اتخاذ گردد که با آن اساس تربیت ملی بروی شالوده متین و صحیحی گذاشته شود تا آیندگان مانند ما گرفتار این همه رزایل و قبایح نبوده و عالم اخلاقی ایران در آتیه مثل امروز تیره و آسفند باشد

بنده طریقه را که شایسته می دانم ذیلاً عرض نموده از همکاران محترم خود مخصوصاً اداره مجله اصول تعلیمات تمنا میکنم مطالعات و نظریات خود را در این موضوع مرقوم دارم -

عقبه بنده مابین دیسپلین های فوق طرز می که بیشتر با مقتضیات اجتماعی و مراتب اخلاقی و اوضاع فعلی ما موافقت و مناسبت دارد همان سبک منحل است و تصور میکنم با اندک مراقبت و حسن توجه بتوانیم آن را سهولت معمول و مجری داریم

چون معایب و محسنات عمده هر یک از دیسپلین های

مختلفه در جای خود گفته شده است لذا از مقایسه و سنجش تفصیلی آنها صرف نظر نموده بدگر چند نکته مهم که مزیت طریقه مختلط را میسراند اکثفاً مینمایم

۱. - دبسیلین مختلط با قانون ارتقاء کاملاً مطابقت دارد و این در مسئله تأدیب و تربیت اولین شرط است بدین است که قواء باطنی طفل محکوم بحکم طبیعت و در تحت اصول لایتمیری نشو و نما میکنند پس برای پرورش روح و دماغ اطفال و دخل و تصرف در جنبه های معنوی آنها باید اجاز این صبر تدریجی را قدم بقدم متابعت کرده و عملیات خود را آناً فاعلاً با نوامیس تغییر نا پذیر عالم طبیعت تطبیق نمائیم همانطوریک در اصول حکومت میزان رشه اخلاقی ملت را مآخذ قرار میدهند یعنی در ابتدا که تازه از قید استبداد خارج شده مدتی او را در تحت تسلط مطلق نگاهداشته پس از آن بمرور آزادی محدود و عاقبت آزادی کامل میدهند

۲. - در تربیت اطفال هم باید همین رویه تعقیب و میزان رشد دماغی آنها دائماً منظور گردد : باین ترتیب که در بدو امر محکوم اطاعت صرف باشند و بعد بتدریج تأدیب و تربیت شده متخلق باخلاق حسنه گردیده کم کم با آزادی تمام نائل شوند

این ترتیب فقط در بر تو دبسیلین مختلط امکان پذیر است .

۳. - دبسیلین مختلط را میتوان حسب الضروره بطور خصوصی یا عمومی اجراء نمود

مثلاً در مملکتی مانند ایران که اطفال در خانواده خود تربیت نمیدهند یا بسبب اخلاقی تأدیب نشده اند معلوم است در بدو ورود بدمدرسه از نقطه نظر اخلاقی بیبجوجه با هم متجانس نمیشوند و باید آنها را با اختلاف تهذیب نموده بعد از آن در تحت دبسیلین عمومی قرار داد و این هم بجز طریقه مختلط راه دیگری ندارد

۴. - دبسیلین مختلط جمیع این اضداد میکند

امروز در مدارس نقاط مختلفه دنیا دو طریقه عمومیت دارد : یکی دبسیلین آزاد و یکی دبسیلین خشن

طریقه آزاد را چنانچه سابقاً مذکور شد - با این همه فساد اخلاق عدم تربیت خانواده کی و فقدان معلمین ماهر و مربیان آنها بمعرفت النفس نمیتوان باین زودی در ایران بکار برد - از طرف دیگر چون دبسیلین خشن گذشته از معایب متعدده طبیعت اطفال را تبعید غایت میدهد و روح آزادی را در دماغ آنها خفه میکند باید بهر قیمتی است ترك گفته منسوخ سازیم زیرا باین سبب تربیت نمیتوان اطفال حساس و آزادی خواه پرورش داد آنها ملت را تا بهین نمود

پس بر این باید بطرز مختلط که جمیع این هر دو طریقه است متوسل گردیم

۳. - طریقه مختلط را میتوان عمومیت داد در همه جا مجری داشت

مثلاً بعضی از دبسیلین ها مثل طریقه امریکائی یا طریقه تأدیب بمنظر کدام داری جنبه خصوصی هستند و نمی شود هیچ یک در تحت اصول تهذیب گذاشته صورت عمومیت داد .

در صورتیکه دبسیلین مختلط برعکس قبل تعمیم است و علاوه بر این میتوان نکات خوب و مفید سایرین را هم انتخاب و بدون اشکال ضمیمه آن نمود

۴. - گذشته از مزایای فوق اویسنده بمتجاوز از ده سال تمام دبسیلین های مختلفه را شخصاً تحت تجربه و مطالعه گذاشته طریقه مختلط را از همه مفید تر و عملی تر دیده ام

این بود عقیده بنده راجع باصل دبسیلین امهد است بتوانم در مقاله آتی شرایطی را که برای اجراء و استقرار یک دبسیلین صحیح لازم است بعرض قارئین مضمر برسانم

محسن قریب

